



- در آستانه بزرگداشت سالگرد رهبر فقید انقلاب

اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی(ره) بی‌مناسب ندیدم درباره بزرگ‌ترین میراث آن مرحوم یعنی تأسیس جمهوری اسلامی که همچنان در حوزه اندیشه و نظر آرای متفاوتی از آن ابراز می‌شود، نکاتی را اشاره کنم. تعبیر «یارادوکسیکال» یا «متناقض‌نما» از ترکیب جمهوری اسلامی، اختصاص به باورهای لیبرال و سکولار نداشته بلکه بسیاری از صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان مسلمان هم بر این گمانند. از منظر هر دو، «معرفت» جمهوریت که حق حاکمیت مطلق انسان را به رسمیت می‌شناسد با «اسلامیت» که آن را ناشی از خداوند دانسته و بر مقیدبودن و محدودبودن آن تأکید دارد، ناسازگار است. در مسیر تحول و تطور نظریات فقه‌های شیعه و «اجتهاد»هایی که از سوی پاره‌ای از آنان صورت گرفت، نظریه مشروعیت حکومت در دوران غیبت به‌ویژه در دوران قاجار از سوی علما و اندیشمندانی مانند شیخ احمد نراقی و شیخ جعفر کاشف‌الغضا، در قالب تئوری «ولایت فقیه» ابراز شده است. اما مبرهن است که تا قبل از تأسیس جمهوری اسلامی از سوی امام خمینی(ره)، این دیدگاه صرفا در حوزه معرفت و نظر ابراز شد و جامه عمل بر قامت آن پوشیده نشد. امام خمینی(ره) را باید نخستین فقیهی شمرد که نظریه «ولایت فقیه» را به‌صورت مدرن در قانون اساسی و نوع حکومت را در شکل «جمهوری» صورت‌بندی کرد و آن را در معرض انتخاب مردم قرار داد.
اولا وی مانند فقه‌ای سلف معتقد بود که شکل و نوع حکومت از مقوله «عرفی» است و انتخاب آن عقلا به اختیار و انتخاب مردم واگذار شده است. دوم آنکه از جمهوری، همان شکل موجود و رایج در کشورهای غربی را مطرح و به تهیه‌کنندگان پیش‌نویس قانون اساسی یادآوری کردند. نکته مهم و کلیدی در این باب آن است که باوجود نظریه فقهی ایشان در موضوع ولایت فقیه که از حیث قلمرو و اطلاق، از تمایز و برجستگی خاصی برخوردار است، اما این آرا فراتر از آن چیزی است که در مابینستی به نام قانون اساسی انتظام پیدا کرده است. آن مرحوم به‌صراحت به تعدیل نظریات خود در سطره اختیارات که در اصول قانون اساسی تجلی یافته معتقد و ملتزم بود، به‌گونه‌ای که فرمودند: «ولو به نظر من [قانون اساسی] یک مقدار ناقص است و روحانیت بیش از این در اسلام اختیار دارند... اینکه در قانون اساسی آمده است این بعضی شئون ولایت فقیه است نه همه شئون آن... خب قرار دارند ما هم تابعیم... ملت یک چیزی را خواستند ما هم تابع آن هستیم» (صحیفه امام ج ۱۱- ص ۴۶۵-۴۶۳). انصاف آن است اگر نص و روح قانون اساسی را به‌صورت مستقل دارای اعتبار دانسته و مشروعیت همه اصول آن را از قانون اساسی بدانیم جمهوری اسلامی عبارتی یارادوکسیکال نیست، اینکه رهبر فقید انقلاب در پاسخ به نامه نمایندگان دوره سوم مجلس شورای اسلامی، به‌صراحت اعلام می‌کند مصمم است در تمام زمینه‌ها وضع به‌صورتی درآید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم، مفهومش این است که آنچه انفاذ ولی‌فقیه را عینیت می‌بخشد، همین اصول قانون اساسی است که مشروعیت قانونی دارد و با این قرأت از جمهوری اسلامی و قانون اساسی، شائیه هرگونه ناسازگاری بین جمهوریت و اسلامیت رخت بریسته و جمهوری اسلامی ترکیبی متناقض نما نیست.



- روابط‌عمومی مجمع‌تشخیص مصلحت نظام:

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی گفت: «هر فرد دلسوزی به‌خاطر اشکالات و مشکلاتی که در نظام اسلامی ایجاد می‌شود، ناراحت است. متأسفانه در مقطعی به‌خاطر میدان‌گرفتن افراطیون، شاهد اфуول مکارم اخلاقی و رشد رذیلت‌ها بودیم». آیت‌الله «هاشمی‌رفسنجانی» گفت: «در شرایطی که در اوج افزایش درآمد‌های کشور می‌توانستند آن درآمد‌های نفتی را در خدمت سازندگی کشور بگیرند، ولی متأسفانه با روی آوردن به واردات اجناس بی‌کیفیت، باعث تخریب پایه‌های تولید در کشور شدند». رئیس مجمع‌تشخیص مصلحت نظام، تفاوت رفتار و گفتار بعضی از مسئولان کشور، به‌خصوص در مسائل اجرایی هشت سال از تاریخ انقلاب اسلامی را باعث تضعیف روحیات دینی و فرهنگی در جامعه دانست و گفت: «متأسفانه بعضی‌ها با حمایت‌های خود، جریان‌ی را روی کار آورده بودند که علنا می‌گفتند در عصر ظهور هستیم و به بهانه آمادگی برای ظهور، به راه‌های انحرافی دیگری پرداختند». هاشمی گفت: «می‌بینید در شرایطی که به‌قول رئیس‌جمهور محترم، سرداران میدان دیپلماسی دولت اعتدال، مشغول تلاش و نبرد در عرصه حل مسائل و جلوگیری از بهانه‌گیری‌های خارجی هستند، گروهی که منافع سیاسی آنها در وجود مشکلات است، چگونه با تئدروی‌ها، کارشکنی‌ها، به دیگران توهین می‌کنند!».

۱۱ خرداد ۱۳۶۶ حزب جمهوری اسلامی تعطیل شد، حزبی که براساس اصول و اهداف ذکرشده در اساسنامه آن قرار بود عامل محرکه و تداوم‌بخش انقلاب باشد. طبق اساسنامه، خطمشی حزب عبارت بود از تأکید بر تداوم انقلاب و جلوگیری از توقف انقلاب در یک مرحله، التزام به حفظ اتحاد و همبستگی روزافزون همه نیروهای مبارز مسلمان، خودداری از وابستگی به گروه‌های غیرمعتقد به انقلاب و استفاده از همه شیوه‌های مبارزه و سازندگی برای رعایت ضرورت‌های تمامی مراحل انقلاب

اسلامی. اما اعضای این حزب در فاصله کوتاهی نه‌تنها نتوانستند میان نیروهای مبارز مسلمان اتحاد و همبستگی ایجاد کنند، بلکه در درون خود با اختلافاتی جدی مواجه شدند. از همان ابتدا نیز برای بسیاری از کسانی که اقدامات انقلابیون را از بیرون تماشا می‌کردند، کنارهم‌جمع‌شدن این افراد با افکار و اندیشه‌های متفاوت، سؤال‌برانگیز بود. آن‌گونه‌که از شهید بهشتی، دبیرکل حزب جمهوری اسلامی، نقل می‌شود، اندیشه تشکیل این حزب از کودتای مرداد ۱۳۳۲شکل گرفت و اتفاقا همین کودتا و اتفاقات سال ۱۳۳۲ بود که جرقه‌های اختلاف در حزب را ایجاد کرد و به تعطیلی آن منجر شد. دکتر بهشتی، دبیرکل حزب جمهوری اسلامی، همان زمان در گفت‌وگویی با مجله «عروه الوثقی»، با اشاره به تأثیر کودتای ۲۸ مرداد در شکل‌گیری هسته‌های مقاومت، می‌گوید: «تااستان سال۵۶ بود که باز با چندتا از دوستانمان به فکر ایجاد یک هسته روحانی متشکل براساس تأکید روی تقوا و ایمان، مبارزودن و بینش م‌ترقی اسلامی داشتن و درعین حال خالص‌اندیشیدن و اسلامی عمل‌کردن و میرا از هرگونه گرایش غیراسلامی و تفکر انتفاپی افادیم و درنظر داشتیم این هسته روحانی مبارز متعهد، شاخه سیاسی و اجتماعی به وجود بیاورد و آن شاخه بتواند یک حزب و تشکیلات نیرومند سیاسی در خلا اجتماعی ما پایه‌گذاری کند».

گرفتن موافقت امام

تشکیل حزبی که برخاسته از میان روحانیون باشد، کار آسانی نبود؛ به‌ویژه آنکه مخالفت‌هایی نیز از سوی برخی از روحانیون در این خصوص وجود داشت. اکبر هاشمی‌رفسنجانی در این زمینه می‌گوید: «همه دوستان احساس کرده بودند که اگر ما تشکیلات درستی داشتیم، دچار این آشفتگی‌ها نمی‌شدیم. پیش از این - و در همان روز‌های آزادی من از زندان - بحث حزب شده بود و تلاشی هم برای فراهم‌کردن مقدماتش کرده بودیم، اما با مخالفت امام روبه‌رو شده بود. امام از اول، نسبت به حزب بدبینی خاصی داشتند و آن را موجب تفرقه می‌دانستند» (روزنامه اطلاعات - ۱۳۷۵/۱۲/۱۴).

مؤسسان حزب، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب تلاش کردند موافقت امام خمینی را برای تشکیل حزب جلب کنند. هاشمی‌رفسنجانی می‌گوید: «دولت که تشکیل شد، من خودم رفتم پیش امام، گفت‌وگوی صریحی با امام کردم و گفتم بالاخره تا به حال ما مبارزه می‌کردیم، اما از این به بعد مسئول اداره کشوریم. در اولین قدم شما دیدید یک حزب کوچک توفیق پیدا کرد دولت درست کند، اگر این‌ها نبودند، شما حتما مشکلاتان بیشتر بود. به علاوه

بیرون می‌بینید احزاب چگونه فعالیت می‌کنند... من گفتم ببینید بخشی از قلمرو جامعه را این‌ها دارند پر می‌کنند، ما هیچ جا نیستیم، درحالی‌که همه‌جا هستیم، معلوم است که حزب در شرایط مسئولیت اداره کشور یک ضرورت است. به هر حال اگر ما حزب نداشته باشیم، دیگران که حزب دارند، شما که جلو دیگران را نمی‌خواهید بگیرید (ایشان نمی‌خواستند جلو دیگران را بگیرند و مانع تحزب دیگران بشوند) خوب آنها

که دارند، فقط دوستان شما تشکیلات ندارند... گفتم روحانیت الان انسجایی که شما فکر می‌کنید، حتی در این شرایط ندارند، هرچه هم پیش برویم بدر می‌شود، ما تشکیلات می‌خواهیم؛ ایشان پذیرفتند و گفتند که حزب تشکیل بدهید».

حزب برای پیشگیری از تفرقه

اما نگاهی که دبیرکل حزب جمهوری اسلامی در زمان تأسیس و اوایل شروع به کار در مورد تشکیل حزبی از مسلمانان واقعی داشتند با اتفاقاتی که بعدها و خصوصا پس از شهادت دکتر بهشتی افتاد همخوانی نداشت. آیت‌الله بهشتی سلسله گفتارهایی درباره تشککل و تشکیلات داشتند که در همان زمان فرازی از آن در قالب جزوه‌ای باعنوان «حزب‌الله و حزب شیطان» توسط حزب جمهوری اسلامی منتشر شده بود؛ «ما از روزی که انقلابمان پیروز شد، تفرقه داشتیم. پیش از انقلاب هم این تفرقه را داشتیم و به‌خاطر همین تفرقه است که از پیش به فکر ایجاد یک تشکیلات اسلامی بودیم و مدت‌ها بود درصدد سازماندهی آن بودیم و وقتی به تأخیر می‌افتاد احساس نگرانی می‌کردیم... اگر آدم بی‌برنامه باشد، اگر نیروها بی‌تشکل باشند، اگر برنامه‌ریزی و هبری نباشد حوادث می‌آید و ما را این

تاریخ



نگاهی به حزب جمهوری اسلامی در سالگرد تعطیلی آن

حزب ناتمام

سامان امیرآبادیان

طرف و آن طرف می‌برد، درحالی‌که این شان انسان نیست. شان انسان این است که او مسلط بر حوادث باشد». دیدگاه شهید بهشتی درباره حزب‌الله و حزب شیطان نیز جالب و نشان‌دهنده تلاش ایشان برای اتحاد میان نیروهای تأثیرگذار و همسو در انقلاب است: «برادر‌ها و خواهر‌ها روی این نکته خیلی توجه کنید. تشکل دو جور است: یکی ضد خدا و ضد اسلام و یکی خدایی و اسلامی است. ما اینجا باید چشم و گوشمان را باز کنیم. تشکل ضد خدایی و ضد اسلامی، آن تشکلی است که عده‌ای دور هم جمع بشوند و بگویند آقا آدم خوب کجا پیدا می‌شود؟ البته در داخل ما! بیرون چطور؟ خبری نیست! آقا اندیشه خوب کجا پیدا می‌شود؟ اگر بخواهی سراغش را بگیري همین جا دور و بر ما‌ها. آن طرف‌تر چطور؟ نه بیرون ما دیگر خبری نیست! آقا برنامه‌ریز خوب کجا پیدا می‌شود؟ فقط بین ما! آن طرف چطور؟ نه آن طرف‌ها کسی عرضه ندارد! آقا اخلاص در نیت کجا پیدا می‌شود و البته در جمع ما، در بیرون جمع چطور؟ آنها همه شیطانی و اهریمنی فکر می‌کنند. این طرز فکر خود شیطانی و اهریمنی است. می‌خواهد مال یک فرد باشد یا یک تشکیلات. تشکل انحصارطلب و انحصاراندیش از جانب هر فرد و هر گروه و هر جمع باشد شیطانی از آب در می‌آید. تشکیلات ما، آن است که نیروهای مؤمن به ارزش‌های الهی و انسانی بگویند: متشکل می‌شویم تا در حد توانمان از این ارزش‌ها دفاع کنیم و صاحبان این ارزش‌ها در نظر ما محترم و معتبرند؛ هر کجا که باشند خواه داخل تشکیلات ما، خواه خارج از تشکیلات ما».

خط‌کشی درون حزبی

خط‌کشی و جهت‌گیری‌های داخل حزب نیز پس از شهادت دکتر بهشتی آغاز شد؛ جهت‌گیری‌هایی که ریشه بسیاری از اختلافات کنونی میان مسئولان جمهوری اسلامی نیز هست. فرشاد مؤمنی، اقتصاد‌دادن و از اعضای جوان حزب جمهوری اسلامی در آن سال‌ها در مصاحبه با وب‌سایت خبرآنلاین در این‌مورد می‌گوید: «مهم‌ترین امور اختلافی، نوع تصور و تلقی درباره آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق بود... در طیف کسانی‌که به آیت‌الله کاشانی ارادت داشتند و احترام می‌گذاشتند و طیفی که به دکتر مصدق احترام می‌گذاشتند، وجه غالب را کسانی تشکیل می‌دادند که به هردوی این‌ها به‌عنوان خادمان نهضت ملی احترام می‌گذاشتند و برای آنها جایگاه قائل بودند. خاطرم هست از همان زمان شخصا به همان اندازه که به خدمات دکتر مصدق احترام می‌گذاشتم، به تلاش‌های آیت‌الله کاشانی هم کاملا احترام می‌گذاشتم و اصلا از نظر ما تقابیل و تعارضی وجود نداشت. ولی کسانی بودند که یک سویه عمل می‌کردند. مثلا مرحوم آیت این‌گونه بودند. حتی در درون طیف دوستان مؤتلفه این‌گونه نبود که همه چشم‌پسته طرفدار آیت‌الله کاشانی باشند... آن موقع به تمایلاتی که در روزنامه جمهوری اسلامی در دفاع از خدمات دکتر مصدق وجود داشت، از سوی آن طیف مطلق‌انکار خیلی حمله می‌شد... ما مکررا از آقای بهشتی می‌شنیدیم که در عین حالی که بزرگی‌های آیت‌الله کاشانی و خدمتشان را مطرح می‌کردند، نقایض و کاستی‌های جدی ایشان و اطرافیان‌شان را هم گوشزد می‌کردند». او در بخش دیگری از مصاحبه خود می‌گوید: «بدیهی است که آن دوره یک نقطه عطف تاریخی بسیارمهمی بود. به‌خصوص بعد از کودتای ۲۸ مرداد به اعتبار فداکاری‌های بزرگ گروهی از افراد و خطاها و برقراری پیوندهای خیلی قبیح با کودتاچیان از سوی برخی دیگر از افراد باعث شده بود که این صفت‌بندی به صورت خیلی غلیظ همچنان ادامه پیدا‌کند. فراموش نکنید که در دوره ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ بسیاری از این اختلافات به‌خاطر سلطه اختناق و

یک گروه چپ، یک گروه راست، یک گروه هم معتدل. آن انسجام اولیه حزب هم ضعیف شد...»

مصلحت‌بر تعطیلی

۱۱ خرداد سال ۶۶ آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی نامه‌ای به امام خمینی نوشتند و در این نامه مصلحت را بر تعطیلی حزب جمهوری اسلامی دانستند: «تأسیس حزب جمهوری اسلامی با مشورت آن مقام معظم و در شرایطی انجام شد که نیاز به یک تشکل در برابر انبوه مسائل در آغاز انقلاب و لزوم انسجام و انتظام نیروهای آگاه و مؤمن و گسترش آگاهی‌های انقلابی و تربیت کادرهای فعال و کارآمد برای اداره کشور و خنثی‌کردن توطئه گروهک‌ها و عوامل دشمن خارجی و ضد انقلاب داخلی به شدت احساس می‌شد. اکنون به فضل الهی نهادهای جمهوری اسلامی تثبیت شده و سطح آگاهی و درک سیاسی آحاد ملت، انقلاب را از جهات عمیده آسیب‌ناپذیر ساخته و روشن بینی و توکل و قوت اراده آن رهبر عالیقدر و فداکار و آمادگی مردم حزب‌الله، توطئه‌های ضد انقلاب داخلی و استکبار جهانی را بی‌اثر و کم‌خطر کرده است، تحزب در شرایط کنونی بهانه‌ای برای ایجاد اختلاف و دودستگی و موجب خدشه در وحدت و انسجام ملت می‌شود و حتی نیرو‌ها را صرف مقابله با یکدیگر و خنثی‌سازی یکدیگر می‌کند».

و در متن پاسخ امام که در تاریخ ۱۲ خرداد سال۶۶ به چاپ رسید چنین آمده است: بسمه‌تعالی- جنابان حجج الاسلام آقای خامنه‌ای و آقای هاشمی دامت توفیق‌هما. موافقت می‌شود. لازم است تذکر دهم که حضرت آقایان مؤسسين محترم حزب مورد علاقه اینجانب می باشند. امیدوارم همگی در این موقع حساس باتفاق و اتحاد در پیشبرد مقاصد عالیه اسلام و جمهوری اسلامی کوشا باشید. در ضمن تذکر می‌دهم که اهانت به هر مسلمانی چه عضو حزب باشد یا نه، برخلاف اسلام و تفرقه‌اندازی در این موقع بزرگ‌ترین گناهان است. والسلام علیکما و رحمت‌الله- ۱۱ خرداد ۶۶، روح‌الله الموسوی‌الخمینی.



- بیرجند- فارس: فرمانده سپاه انصارالرضا (ع) خراسان جنوبی با بیان اینکه جامعه‌سازی بدون محله‌سازی امکان‌پذیر نیست، گفت: «باید دقت کنیم مبدا از انقلاب عقب بمانیم، اینکه جامعه خاستگاه انقلاب اسلامی است می‌تواند ضرر داشته باشد». نظری ادامه داد: «جامعه‌سازی بدون محله‌سازی امکان‌پذیر نیست، بنابراین باید دقت کنیم مبدا از انقلاب عقب بمانیم».

معاون قوه قضائیه:

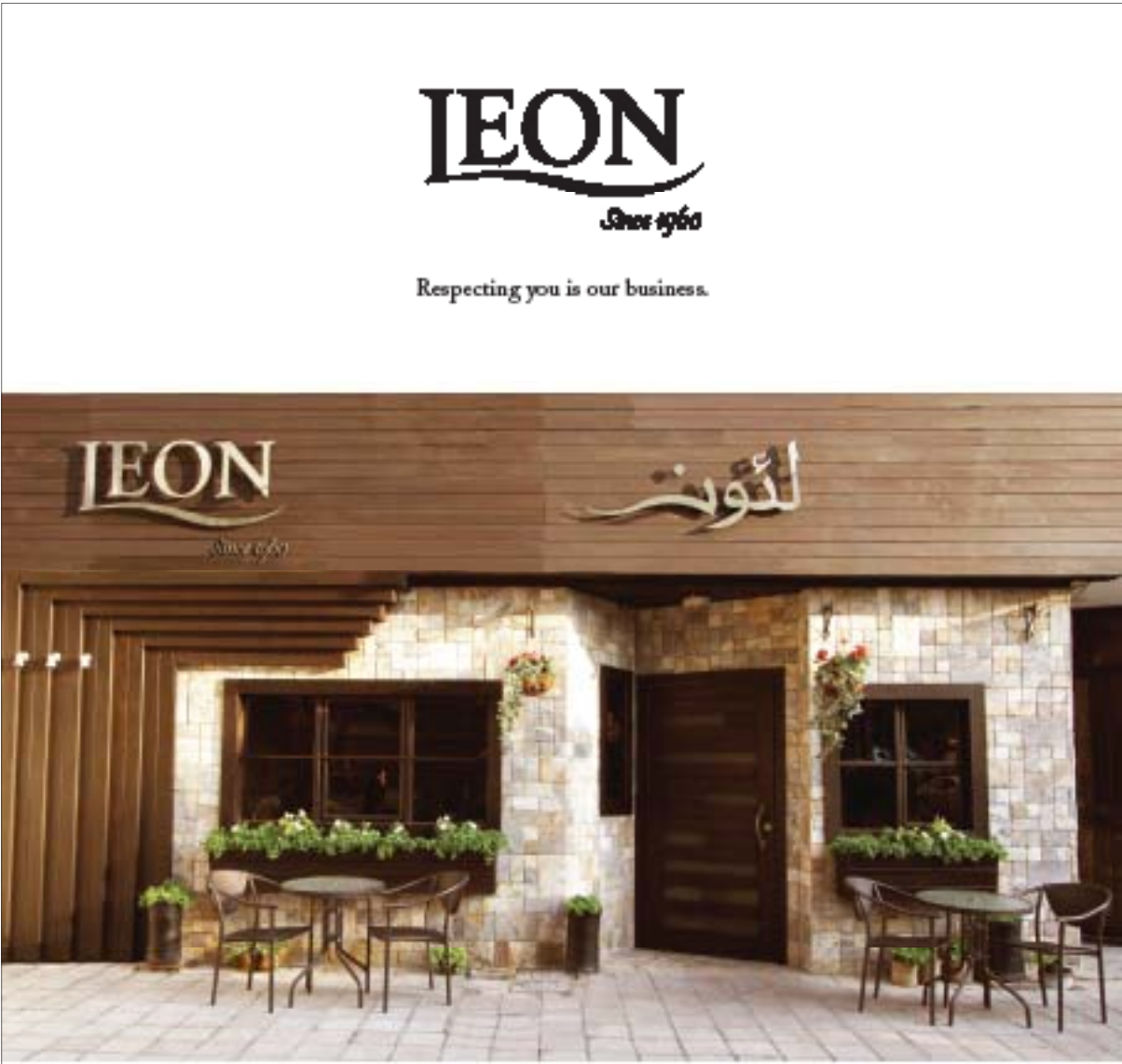
نظام اداری کشور پرهزینه است

- شیراز- ایرنا: معاون قوه قضائیه و رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، نظام اداری کشور را پرهزینه دانست و گفت: باید با فراهم‌کردن شرایط لازم برای کاهش میزان مراجعه مردم به اداره‌ها، از تحمیل هزینه‌های اضافی به آنها جلوگیری کنیم. احمد تویسرکانی ادامه داد: همه ما موظفیم موانع پیش‌روی مردم را برداریم و هزینه‌های آنها را کاهش دهیم. تویسرکانی، در بخش دیگری از سخنان خود، یکی از دغدغه‌های موجود را بحث زمین‌خواری دانست و گفت: بر همین اساس، لزوم تثبیت زمین‌های دولتی به عنوان یک نیاز جدی امری ضروری است.

رئیس شورای هماهنگی جبهه اصلاحات گیلان:

تشکیل حزب در کشور مغفول مانده است

- ایلنا-گیلان: رئیس شورای هماهنگی جبهه اصلاحات گیلان، به تبیین دلایل و ضرورت‌های تشکیل شوراهای مشورتی پرداخت و گفت: «متأسفانه در کشور ما به تحزب بها داده نشده و مقوله تشکیل حزب مغفول مانده است». احمد رمضانپورنرگسی، در جمع اعضای شورای مشورتی اصلاح‌طلبان شهرستان شفت، به تبیین وضع سیاسی کشور و استان گیلان پرداخت و افزود: «به دنبال تجمع فعالان سیاسی اصلاح‌طلب و حامی دولت در قالب شورای مشورتی اصلاح‌طلبان هستیم که تاکنون در بیش از ۱۰ شهرستان موفق به برگزاری مجامع عمومی و تشکیل شوراهای مشورتی اصلاح‌طلبان شده‌ایم».



تجربه لحظات گرم و صمیمی

در شعبه نیاوران

